**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه361 – 15/ 09/ 1399 بنای عقلاء /ادله /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره سیره عقلا بر حجیت استصحاب بود. استاد دام ظله در ابتدای بحث رجوعی به مبحث اصاله الثبات دارند و توضیح بیشتری را در این باره مطرح می کنند. سپس درباره تفاوت بین سیره بر خبر واحد و استصحاب را محل بحث قرار می دهند.

# ماهیت اصاله الثبات در لغات

برخی از دوستان سوالی را مطرح کردند که هر چند درباره جلسات سابق است اما ابتدا آن را مطرح کرده، سپس بحث جلسه قبل را ادامه خواهیم داد.

متن سوال: لطفا در کلاس درس توضیح دهید چرا اصاله الثبات شهید صدری مخدوش است با اینکه راه علم به موضوع له زمان صدور منسد است و با توجه به بیان شما شرط اماریت که انسداد است را دارد؟

از سوال معلوم است بیان ما وافی به مقصود نبوده است که برای روشن شدن بحث در اصاله الثبات، این بحث را تکرار می کنیم

شهید صدر در بحث استصحاب، تفاوت استصحاب را با استصحاب قهقرایی مطرح کردند و استصحاب قهقرایی را همان اصاله الثبات در الفاظ دانسته اند. در مباحث الاصول آمده است:

فاللفظ إذا كان له معنىً و شكاً في تغيّر ذاك المعنى على إجماله و بقطع النظر عن تعيينه، بنوا على أصالة عدم التغيّر، و هذا ما ينطبق عليه الاستصحاب الطردي، ثمّ إذا تعيّن معنى اللفظ في زماننا، ضمّ ذلك إلى هذا الاستصحاب الذي هو في الحقيقة أمارة لا أصل، و تكون مثبتاته حجّة، و استنتج من ذلك باعتبار حجّيّة مثبتاته كون معنى اللفظ في ما سبق- أيضاً- هو هذا المعنى‏

فتحصّل: أنّ الاستصحاب القهقرائي- بحسب الحقيقة- غير موجود أصلًا، و أنّ الاستصحاب الثابت في باب اللغة بالمعنى المرتكز في أذهان العقلاء مرجعه الى الاستصحاب الطردي نفسه.[[1]](#footnote-1)

ایشان می فرماید: چون تغییرات لغت بسیار به ندرت اتفاق می افتد، باعث ایجاد غلبه شدیده می شود و عقلا بر معنای سابق بنا می گذارند.

## اصاله الثبات؛ حجیت به ملاک اماره ظنی یا اطمینان بخشی؟

یک مرحله بحث این است که آیا اصاله الثبات اماره ظنی است یا به اعتبار اطمینان بخشی آن است؟

حاج آقای والد اماره ظنی بودن را منکر هستند و آن را اصل اطمینانی دانسته، بازگشت آن را به اطمینان در لغت می دانند. ایشان می فرمودند: خود همین که الفاظ موجود در روایات را معنا کرده، می بینیم تمام الفاظ معنادار هستند و هیچ خلل و تهافتی را در آن احساس نمی کنیم، باعث می شود از نظر عقلایی اطمینان به معنای زمان صدور حاصل شود.

اما اگر اصاله الثبات اصل عقلایی مبتنی بر ظن بدانیم، بیان شد: ممکن است نکته ای که حاج آقا بیان کردند هر چند موجب اطمینان نشود، اما ظن آور است و این ظن حجت است. ملاک حصول ظن مطابق این بیان، متفاوت با بحث غلبه است و نکته دیگری موجب حصول ظن شده است.

## توجیه اصاله الثبات در دیدگاه شهید صدر

اشکال دیگری که بیان شد این بود: بر فرض که حصول ظن به ملاک غلبه عدم تغییر باشد، آیا بحث مطرح شده در کلام شهید صدر صحیح است؟

شهید صدر در توجیه حجیت اصاله الثبات بیان می کند: از نظر عقلایی معنای مفهوم با معنای زمان صدور متحّد است. ایشان با ضمیمه قاعده حجیت مثبتات امارات، اصاله الثبات را نتیجه گیری می کند.

استصحابی که ایشان مطرح کرده غیر از استصحاب متعارفی است که در ارتکاز عقلا قائل هستند. ارتکاز موجود بین عقلا به ملاک میل و انس ذهنی است و اصل عقلایی محسوب می شود بر خلاف این استصحاب که اماره عقلایی محسوب می شود.

به کلام شهید صدر دو اشکال وارد است.

### اشکال اول: اماره تحلیل اماره عقلایی بودن بدون بازگشت به استصحاب

چرا شهید صدر اماره عقلایی را به این شکل تصویر کرد که از نظر عقلایی تغییر لغت به ندرت اتفاق می افتد سپس با ضممیه کردن مثبتات امارات، ثبات در لغت اثبات کرد؟ سپس نتیجه گرفت: در صورت معلوم بودن معنا در زمان کنونی، معنای زمان صدور نیز روشن می شود. در حالی که با فرض اماره عقلایی بودن، می توان این گونه تحلیل کرد که ندرت تغییر لغت، ملازمه غالبی بین معنای لغت در زمان کنونی و معنای لغت در زمان صدور ایجاد می کند و نفس همین اماره است. به همین دلیل لازم نیست مطابق بیان شهید صدر پیش برویم.

پس ندرت تغییر لغات باعث ایجاد ملازمه بین معنای لغت در زمان کنونی و معنای لغت در زمان صدور می شود و نفس این ملازمه اماره است و عقلا بر اساس ظن آن را معتبر می دانند بدون آنکه به استصحاب رجوع کند.

### اشکال دوم: عدم اعتبار ظن حاصل از استصحاب قهقرایی

اشکال دوم که عمده بحث بر اساس آن بود و سوال این دوست نیز بر اساس این اشکال است، این بود که حجیت امارات معمولا بر اساس انسداد باب علم است. شهید صدر فرمود: عقلا استصحاب خاصی را در باب لغات از باب اماره عقلایی قائل هستند به این بیان که ندرت تغییر لغات باعث می شود علی نحو الاجمال لفظی در زمان صدور معنایی داشته باشد، در زمان کنونی نیز همین معنا را داشته باشد. بحث ما این بود که برای به دست آوردن معنای لغات در زمان کنونی به استصحاب رجوع نمی کنند زیرا باب علم در تشخیص معنای لفظ در زمان کنونی منسد نیست، پس با اماراتی مانند تبادر و امثال آن، معنای لفظ را در زمان کنونی تعیین می کنند. نه اینکه ابتدا معنای لغت به صورت اجمالی در زمان صدور را استصحاب کنند. بنابراین برای تعیین معنای لغت در زمان کنونی، نیازی به استصحاب نیست و این استصحاب حجیّت عقلایی ندارد زیرا باب علم در آن منسد نیست.

برای توضیح بیشتر باید گفت:

شهید صدر برای تحلیل اصاله الثبات دو مقدمه چیده است:

اول: اگر لفظی در زمان صدور معنایی داشت در زمان کنونی نیز همان معنا را دارد. این همان استصحابی است که ایشان مطرح کرده است.

دوم: اگر در زمان حاضر، لغت معنایی داشته باشد در زمان صدور نیز همان معنا را دارد.

اصل قضیه اگر قطعی باشد عکس نقیض نیز قطعی است اما در صورتی که اصل قضیه اماره باشد، نیازمند دلیل حجیت است و ما می گوییم دلیلی بر حجیت اصل قضیه نداریم زیرا حجیت اماره به صرف غلبه نیست بلکه به اعتبار انسداد باب علم است و باب علم در فهم معنای لغت در زمان کنونی منسد نیست. پس مقدمه اول تام نیست و نمی توان بحث را اینگونه دنبال کرد. بلکه نیازی نیست بحث به این صورت مطرح شود بلکه می توان گفت: ندرت تغییر معنای لغت باعث می شود به صورت مستقیم ملازمه بین معنای کنونی و زمان صدور ایجاد شود و با کشف معنای کنونی، ظن به معنای زمان صدور حاصل گردد. نتیجه گیری مستقیم اشکالی ندارد زیرا فرض آن است که اشکال حاج آقا را کنار گذاشتیم و راه اطمینان برای به دست آوردن معنای لغت در زمان صدور، منسد است. پس ملازمه بین معنای لغت در زمان کنونی و معنای لغت در زمان صدور قابل طرح است اما راهی که شهید صدر بیان کرد را نمی توان تصحیح کرد.

# فرق بین سیره قائم بر خبر واحد و استصحاب

در جلسه قبل در این باره بحث که مرحوم آخوند یکی از ادله حجیت استصحاب را بنای عقلا ذکر کرده است. درباره بنای عقلا اشکال صغروی را مطرح کرده که بنای عقلا به نکته استصحاب نیست و به جهات مختلف است، مرحوم آخوند اشکال کبروی را اینگونه مطرح کرده که ادله ناهی از عمل به ظن رادع از استصحاب است هر چند استصحاب موجب حصول ظن باشد.[[2]](#footnote-2)

مرحوم نائینی این اشکال را مطرح کرده است که مرحوم آخوند در باب خبر واحد سیره عقلا را مطرح کرده، ادله ناهی از عمل به ظن را رادع ندانسته است. چه تفاوتی بین این دو باب وجود دارد؟ اگر ادله ناهی از عمل به ظن رادع باشد در هر دو باب رادع است و اگر رادع نباشد در هیچ یک از دو باب رادع نیست.[[3]](#footnote-3)

شهید صدر فارغ از این بحث که آیا سیره عقلا بر حجیت خبر واحد ردع شده یا نه، فروق بین این دو باب را ذکر می کنند. به این صورت که آیا با فرض عدم ردع سیره عقلا در باب خبر واحد، می توان قائل شد سیره عقلا در استصحاب ردع شده است؟

ایشان هفت راه را طرح کرده است که درباره برخی از آنها بحث می شود.

مرحوم آقای خویی فرق بین دو باب را این گونه تقریب کرده که حجیت خبر واحد در اوائل بعثت و آغاز شریعت، امضا شده است و این امضا به وسیله استصحاب عدم نسخ استمرار پیدا می کند. اما درباره استصحاب نمی توان امضای حجیت استصحاب را استصحاب کرد زیرا اصل حجیت استصحاب محل بحث است.[[4]](#footnote-4)

شهید صدر به این فرق دو اشکال مطرح کردند:

اول: عمده دلیل بر حجیت استصحاب خبر واحد است. اگر حجیت خبر واحد ثابت نباشد نمی توان استصحاب عدم نسخ را جاری کرد.

دوم: اصاله عدم نسخ مستقل از استصحاب است و اصل عدم نسخ بدون بازگشت به استصحاب، اصل عقلایی است. اشکال دوم، بر خلاف مبنای مرحوم آقای خویی است زیرا ایشان تنها دلیل بر اصل عدم نسخ را استصحاب می دانند.

سید حائری در حاشیه مباحث الاصول به کلام مرحوم آقای خویی اشکال داشته، می نویسد:

ثبوت الإمضاء بالسكوت الذي يواكب تدريجيّة الشريعة في صدر التشريع مشكل.[[5]](#footnote-5)

در جلسه آینده در این باره بیشتر بحث خواهیم کرد.

1. مباحث الاصول؛ ج 5، ص: 27 [↑](#footnote-ref-1)
2. كفاية الأصول ( با تعليقه زارعى سبزوارى )، ج‏3، ص: 175 [↑](#footnote-ref-2)
3. [فوائد الاصول، محقق نایینی، ج4، ص333.](http://lib.eshia.ir/13102/4/333/) فما أفاده المحقّق الخراسانيّ- قدّس سرّه- في المقام: من أنّ الآيات الناهية عن العمل بما وراء العلم تصلح لكونها رادعة عن السيرة العقلائيّة فيما نحن فيه، ينافي ما تقدّم منه في حجّيّة الخبر الواحد: من أنّ تلك الآيات لا يمكن أن تكون رادعة عن الطريقة العقلائيّة، مع أنّ بناء العقلاء على الأخذ بالحالة السابقة لو لم يكن أقوى من بنائهم على العمل بالخبر الواحد فلا أقلّ من التساوي بين المقامين، فكيف كانت الآيات رادعة عن بناء العقلاء في المقام و لم تكن رادعة عنه في ذلك المقام؟! فالأقوى: أنّه لا فرق في اعتبار السيرة العقلائيّة في كلا المقامين. [↑](#footnote-ref-3)
4. مصباح الأصول ( طبع موسسة إحياء آثار السيد الخوئي )، ج‏2، ص: 13 [↑](#footnote-ref-4)
5. مباحث الاصول؛ ج 5، ص: 35 [↑](#footnote-ref-5)